

..... پایان یک تراکنش!

یابش ابوبکر البغدادی و کشته شدنش توسط کماندوهای آمریکائی قبل از آنکه ارزش عملیاتی داشته باشد برخورداری از تراکنشی سیاسی است. حذف فرمانده داعش بوی یک معامله سیاسی را می‌دهد که می‌تواند موید تبادلی دو یا چند جانبه بین طرفهای درگیر در مناقشه خاورمیانه باشد.

قدر مسلم واشنگتن طرف اصلی چنین معامله خوش سودی می‌تواند باشد آن هم در موقعیتی که ترامپ از ناحیه ناکامی و ناکارآمدی در سیاست خارجی بشدت در مضیقه بود و اکنون با توسل به جنازه البغدادی می‌تواند و توانست واریته و شوآفی مْهیج از توفیقی بزرگ در یکی از حوزه‌های سیاست خارجی آمریکا را کارناوال کند!

ظاهراً بعد از تصمیم ترامپ جهت خروج ارتش آمریکا از سوریه طرفین برای یک پاکسازی مرضی‌الطرفین به منظور جُرم‌شوئی و پاک کردن «شواهد ایدائی» به توافق رسیدند و معامله بر سر البغدادی یکی از مفاد چنین توافقی می‌تواند باشد!

هر چند هلاکت البغدادی کمترین جای را تاسف ندارد اما عبرتی است برای دیگر پاپتهائی که مانند وی با توهم خویش‌باشی در زمین سیاستی بازی می‌کنند که قواعدش را اصحاب قدرت تعریف کرده و همان اصحاب قدرت با تمام شدن تاریخ مصرف آن پاپتها و در راستای تحصیل منویات خود ایشان را لامحاله «ریسایکل» (!) می‌کنند.

#داریوش سجادی

#ابوبکر البغدادی

#ترامپ

#داعش

عبور از اصلاحات

http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2019/10/video_2019_10_27-6_48_16_220_WV0.mp4

بیستاره‌ها !

ابراهیم حامدی (ابی) آوازخوان خوش صدای نسل پهلوی در جدیدترین خوانش خود تحت عنوان «کوچه نسترن» جااعلانه با تحریف تاریخ و ارائه تصویری ناراست از جنگ تحمیلی کوشیده «آب به تاریخ ببندد»! و ناجوانمردانه و لاکن ناکامانه تلاش کرده سیبزمینی صفتی خودآیشان در جنگ تحمیلی را با «شهیدرُ بائی» استتار نماید!

تلاشی نامنصور که از آن طریق تنها توانسته بی‌حظی خود و کلنی فارسی زبانان لوس‌آنجلس نشین از واقعیت‌های ایران نوین را عریان و هویدا کند!

جناب آقای حامدی!

هر چند جهدتان در تحریف تاریخ قابل فهم است لکن چنین جهدی لزوماً ماخوذ به نتیجه نیست.

پیش از شما و در اقدامی مشابه همسر رجب طیب اردوغان در سفر به ایالات متحده آمریکا کلاهبردارانه ضمن مصادره مولانا به عنوان شاعری اهل ترکیه (!) سه جلد ترجمه انگلیسی دیوان اشعار مولانا را در مقام پیشکش به «لورا بوش» همسر رئیس‌جمهور وقت هدیه کرد!

هر چند در همان زمان خطاب به رباب‌یاشگران مولانا گفتم گیریم مولانا را به دروغ بنام خود سند زدید لکن با کدام ترفندی توان آنرا خواهید داشت تا حلاوت اشعار فارسی مولانا را به انگلیسی معادل سازی کنید؟!

آن یکی شیر است اندر بادیه – و آن دگر شیر است اندر بادیه
آن یکی میلک (Milk) است اندر کالدرن (Cauldron)
و آن دگر لاین (Lion) است اندر دزرت (Desert)
جناب آقای حامدی!

امروز نیز خطاب به شما می‌گویم:

مذبوحانه نکوشید بی‌فروغی آسمان بیستاره خودآیتان را با مصادره «شهدای جنگ تحمیلی» ما به ازا کنید.

آن‌انکه کوشیده‌اید مصادره کنید همانانی بودند که جان عزیز خود را فدیة باشندگی کشورشان کردند تا پاسداشت نباشندگی شما یان در کنار و جوار خود و کشورشان، کرده باشند!

کمال ناجوانمردی است وقتی همین جوانان در دفاع از دین و میهن و نظام و انقلاب و امام‌شان به جبهه‌ها هجوم بردند، شما یان با دریا

دریا داعیه وطن‌پرستی تا عمق لِس آنجلس گریختید و به این زبونی نیز
بسندۀ نکرده و نارفیکانه با شش دانگ صدا در «نون و پنیر و سبزی»
امام آن مجاهدان را با اتصاف «جادوگر شهر بد» نشسته‌ای بر منبر
خون خواندید که رسالتی جز گردن زدن عشاق را بر عهده ندارد!
آقای حامدی

خفتگان را خبر از زمزمه مرغ سحر
حَیَوان را خبر از عالم انسانی نیست
بوتیمارانۀ برای عشق مرثیه سروده‌اید و ناپاکانه و ناسپاسانه از
دهان شهدای دفاع مقدس ابراز لحنیه فرموده‌اید که:
مادر نزار اسم من، اسم کوچۀ مون بشه
وقتی عشق نمی‌تونه توی کوچۀ پیدا شه
در حالی که «شیر زهله‌گان خمینی» با آونگ موسیقایی امام‌شان در
جبهه‌ها رقص عشق می‌کردند آنگاه که امام‌شان به حلاوت و صلابت
فرزندانش را انگونه امامت و دلالت می‌کرد که:
برخی از جوانان مملکت در عنفوان جوانی عقال تمنیات دنیا را از
پای حقیقت عشق برگرفتند و سبکیالان به میهمانی عرشیان شتافتند و
در مجمع ملکوتیان شعر حضور سروده‌اند ... حال من خاکی در بند اول
کتاب منیت خود مانده‌ام و از این قافله بانگ جرسی می‌شنوم.
جناب آقای حامدی

بقول فروغ تان: پرواز را بخاطر بسپار. پرندۀ مُردنی است!
شهدای جنگ تحمیلی دُرَدانه‌های ایران و فخر جهانند.
این دزدی است جناب حامدی!
رُبایش دَفینه‌ای که دلالت شجاعت و صلابت و حُریت و صداقت و پارسائی
یک نسل است، سرقت نیست - جنایت است.
#داریوش سجادی

شطحات یک رئیس جمهور!

باورداشت دکتر روحانی از بدیهیات عقلی فاقد عمق اندیشگی است!
ایشان اخیراً فرموده‌اند:
شاید برخی دقت کافی نداشته باشند که شهامت، شجاعت، صبر در صلح
بالاتر از صبر و استقامت در جنگ است و چه بسا مصلحت امت و جامعه
اسلامی برای تندروها قابل فهم نباشد ... و امام حسن(ع) از چنین

شهامتی برخوردار بودند ... هدف اسلام نه جنگ و نه صلح بلکه مصلحت اسلام و جامعه است.

جناب روحانی - علیرغم اصرارتان بر «تنزه طلبی‌های عالمانه» لکن فَلَائِتَات کلام‌تان موید آنست که نه تبحری در دروس حوزوی دارید و نه در گلاسکو توفیق آنرا داشته‌اید مباحث آکادمیک را به تامل و تعمق، تلمذ فرمائید!

بی جهت دوقطبی امام حسن (ع) و امام حسین (ع) نسازید و بر این دوگانه نکوبید. هر دو امام بدنبال استیفای عدالت بودند. دغدغه اسلام جنگ و صلح نیست و اهمیاتی اگر هست در اقتضای حق و عدالت و تلاش بمنظور اعاده حق و استقرار عدل است.

جناب رئیس‌جمهور!

نقل این حرفا نیست - دعوا بر سر تندروی و کندروی نیست. محل نزاع رهروی و کجروی است!

فرموده‌اید: در انقلاب اسلامی زمانی پیروز هستیم که در کشورمان اخلاق حاکم باشد. درشت‌گویی و سخنان غیرمنطقی و بی‌پایه و واهی و شعاری هیچ ربط و شباهتی به انقلاب اسلامی ندارد.

جناب پرزیدنت! واعظ غیر متعظ را می‌نمائید!

اظهارات شاذتان در دوران تبلیغات انتخابات را فراموش کرده‌اید؟! فردای پیروزی‌تان خطاب‌تان کردم:

شما نبُردید، باختید! در سودای سیاست و در طمع خلعت زعامت و با ابتلا به شهوت قدرت، اخلاق را با آن همه بی‌اخلاقی باختید! قدرت را بُردید اما اخلاق را باختید - معظم له!

.....

[مقاله شما رئیس‌جمهور من نیستید](#)

#داریوش سجادی

شاذیات دکتر روحانی!

آقای حسن روحانی در جدیدترین اظهارات خود در جمع دانشجویان ابراز داشته‌اند:

بیش از ۴۰ سال است هنوز به جواب روشن و قاطع نرسیدیم؛ عده‌ای می‌گویند تعامل سازنده با دنیا و عده‌ای هم می‌گویند تقابل مداوم ... استراتژی تعامل باشد یا تقابل؟ این مساله است. اگر در این مسائل

به نتیجه نرسیدیم، باید همه‌پرسی از مردم را برگزار کنیم.

...

متأسفانه اظهارات فوق و برخلاف انتظار دلالتی است بر فقد بضاعت و حزم سیاسی نزد رئیس‌جمهوری که طی ۴۰ سال گذشته در بالاترین سطوح سیاسی و امنیتی کشور عهده‌دار مسئولیت بوده‌اند.

جناب آقای روحانی!

کدام عقل سلیم و کدام سیاستمدار زبده و کدام ابجدخوان دنیای سیاست، خود و کشورش را در عرصه سیاست خارجی چنین نابلدانه که جناب‌عالی می‌اندیشید و می‌فرمائید، خلع سلاح می‌کند!؟

متوجه فرمایش عوامانه خود هستید!

صورت ساده فرمایش جناب‌عالی بدان می‌ماند تا بگوئیم چه نیازی به دو دست داریم وقتی با یک دست هم می‌توانیم کارهایمان را انجام دهیم و پس بی‌ایم دست دیگرمان را قطع کنیم!

جناب رئیس‌جمهور تقابل و تعامل هر دو ابزارهای سیاست خارجی بوده که به اقتضا و حسب نیاز هر کدام در جای خود لازم بوده و در جای خود مورد استفاده قرار می‌گیرد.

جناب آقای رئیس‌جمهور!

متوجه هستید که با منطق مَعْرُوج جناب‌عالی در مواجهه با تهاجم ارتش صدام به ایران لاجرم می‌بایست در فقد عنصر تقابل ذیلانه متوسل به راهکار تعامل با دشمن متجاوز می‌شدیم!؟

جناب آقای رئیس‌جمهور کاش در تراز یک رئیس‌جمهور ابراز نظر بفرمائید!

#داریوش سجادی

از مور تا بن‌هور!

سخنی با خانم فرزانه روستائی

مخالفت با جمهوری اسلامی همان‌قدر قابل فهم است که متنفر بودن و برنتابیدن آن بنا به هر دلیلی از جانب غیظ و رزان، قابل هضم!

آنچه در این میان ناوآرد و غیر قابل پذیرش است ناراستی و توسل اپوزیسیون به ابزار نجس و شرف‌فروشی در مبارزه سیاسی است!

خدا رحمت کند مرحوم عزت‌الله سحابی را که علیرغم همه انتقادات موجه یا ناموجه‌اش به نظام، لکن تا آن اندازه شرف داشت که در مسیر

مخالفت‌هایش با نظام ارزی خود را به نجاست ابزاری نیآلود و تا پایان عمر آبرومندانه در کشور ماند و با فصاحت اذعان داشت: مبارزه سیاسی با نظام در خارج از کشور حرف م‌فت است. اگر ع‌رضه و شهادت دارید همین جا و در کنار مردم بمانید و از مواضع‌تان دفاع کنید!

متاسفانه و برخلاف توصیه مرحوم سحابی «لات بازی در کوچه‌های خلوت» مبدل به تخصص‌مشتی خودشیفته در خارج از کشور شده که تا وقتی در ایران بودند ریاکارانه از پیاز حکومت ارتزاق کرده و هوسبازانه از سفره نظام لقمه می‌گرفتند و آنگاه که خیارشان کونه کرد! سر از فرنگ درآورده و با عمیق‌ترین شکل ممکن مبتلا به سندروم «خودژاندارک بینی» و «خویش‌رستم‌انگاری» م‌زم شدند و با هزاران کیلومتر دور شدن از وطن شجاعت‌شان فوران کرد و «معرکه گردان و قهرمان» م‌شتی بی‌قهرمان و مفلوک‌تر از خود، شده‌اند!

ژانگولرهای نظیر معصومه علینژاد و محمد حسینی طباطبائی و مجتبی واحدی و راشدانه‌ها و حقیقت‌جوها و پیرم‌ودنه‌ها و باطبی‌ها و نبوی‌ها و اره و اوره و شمس‌کوره‌ها و مدل به مدل مشنگ‌هایی از این مدل در غربت، شاخص‌هایی از فقر فضیلت و فقد شرافت‌اند که می‌تواند و می‌بایست نماد عبرت نسل جوان ایرانی باشند!

نیما زم نیز یکی از میانه‌های همین خویش‌رستم‌بینان و لات‌های کوچه‌های خلوت بود که اکنون به پایان پروژه خود رسید.

مشکل قبل از چیستی مشکلات روانی این «خویش‌قهرمان اندیشان» بستری است که این بیماران روانی را اقبال می‌کند!

بدبختی اصلی را می‌بایست در گندآبی کاوید که محتاج رشد و گسترش چنین کرم‌چاله‌هایی‌اند! گندابه‌هایی که در آن امثال «فرزانه روستائی» بغض‌شان برای قهرمان پوشالی‌شان می‌شکند و بوتیمارانه نجوای دلتنگی سر می‌دهند که:

«نام زم از صدر جدول کسانی که برای مردم ایران و آب و خاک ایران از جان مایه گذاشتند و دل سوزاندند هیچگاه جابجا نمی‌شود»! خیر خانم روستائی!

دل مویه شما بازتاب بی‌فروغی آسمان بدون ستاره اپوزیسیون خارج از کشورتان است. در چنین وانف‌سائی مورچه‌ها هفت‌تیر کش می‌شوند و شیدائیان‌ش آن مور را بن‌ه‌ور می‌انگارند!

#داریوش سجادی

اسپریم سالاری!

سلطنت‌طلبان از میانه اپوزیسیون برانداز و متنفر از جمهوری اسلامی کُ‌میک‌ترین و در عین حال رقت‌انگیزترین گروهی‌اند که قبل از فعالیت سیاسی مستحق روان درمانی کلینیکال‌اند!

فرقه‌ای که در قرن ۲۱ و در سپهر و فرآیند رشد و تَطَوُّر دانش و بینش بشری کماکان قائل به «اسپریم سالاری» است! و با این باور که: «احراز شانیت و احصای صلاحیت» و «مبنای حلول پادشاهی و استلزام جلوس بر مسند فرمانروائی» و «استحقاق خلعت صاحبقرانی» مَحُول به «اسپروما‌توزوئید» سلطان و انتقال بموقع آن «یاخته گداخته» به اعضاء و جوارح آن دَرْدانه و سلطانزاده بوده و با چنین پنداشت و باورداشتی «آستان‌بوس» و «یاخته‌دوست» نظام سلطنت می‌باشند!

کُ‌میک‌ترین بخش داستان آنجاست که فرقه مزبور مدعی است انقلاب اسلامی یک سناریوی آمریکائی بود و کاخ سفید در نشست گوادالوپ وقتی متوجه شد محمدرضا پهلوی می‌خواهد از آن به بعد «نفت را در اوپک گران کند» دستور عزل وی را دادند و این منوال نقطه آغاز زوال آن سلطان شد!

احتجاج سلطنت‌طلبان در حالی است که تا قبل از انقلاب اسلامی قیمت هر بشکه نفت تنها ۲ دلار بود و در ماجرای تحریم نفتی اعراب حداکثر به بشکه‌ای ۱۲ دلار رسید و سلطنت‌طلبان مزبور در الفبای احتجاج خود مانده‌اند که اگر شاه توسط آمریکا و به «جُرْم تمایل به افزایش قیمت نفت» ساقط شد پس چرا از فردای تاسیس جمهوری اسلامی قیمت نفت نه تنها کاهش نیافت بلکه بشدت افزایش پیدا کرد و دیگر هرگز به بهای نازل زمان سلطنت اعلی‌حضرت‌شان نرسید؟!

حال بگذریم از این نکته که اساساً چرا شاه‌شان برآمده از فرآیندی بود که واشنگتن به راحتی می‌توانسته ماندن یا نماندن وی در قدرت را با یک نشست و برخاست در گوادالوپ عهده‌داری کند؟!

اما مهم‌تر آنکه سلطنت‌طلبان مزبور از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی شال و کلاه کردند و رحل اقامت در جوار همان ایالات متحده افکندند و ۴۰ سال هم هست که علی‌رغم تحفظ غیظ و نفرت‌شان از آمریکای بزعم‌شان

«شاه‌خوار» باز هم کاسه گدائی نزد واشنگتن گرفته و از کاخ سفید
تکدی محبت و مطالبه شفقت بمنظور بازتولید سلطنت در ایران
می‌نمایند!

(از سلسله مقالات اپوزیسیون شناسی)

#داریوش سجادی

دستگیری روح الله زم

http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2019/10/video_2019_10_15-22_45_26_356_Tly.mp4

سیاست جنگ طلبانه علیه ایران

[برای مشاهده ویدیو روی نوشته کلیک نمایید.](#)

از چپ خط امام تا چپاول خط امام!

محمد سلامتی دبیر کل سازمانی که زمانی طلایه‌دار چپ خط امامی بود طی
مصاحبه با خبرآنلاین، استحالہ طبقاتی این سازمان را بدین‌گونه
کالبدشکافی کرده:

جامعه ما در دهه ۶۰ اکثریت‌اش طبقه متوسط نبود. اما اکنون اکثر
مردم طبقه متوسط اند. آن موقع که ما حرف می‌زدیم چون طبقه مستضعف

اکثریت بود، ما هم دنبال خواست اکثریت بودیم. اما حالا ساختار جامعه تغییر پیدا کرده و همین موجب می‌شود که شما وقتی به دنبال تحقق منافع اکثریت جامعه هستی، به خواست‌های طبقه متوسط توجه کنید. مسئله اصلی طبقه متوسط، عمدتاً مسائل فرهنگی است؛ اما مسئله اصلی طبقه محروم، اقتصاد است.

برخلاف ادعای آقای سلامتی چپ خط امامی و اساساً هیچ نحله فکری اصیلی نمی‌تواند برخوردار از مواضع خیزرانی بوده تا به اقتضای مطالبات زمانه موج‌سواری و جهش طبقاتی کند.

برخلاف توجیهات دبیر کل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی چنین موتاسیونی را ابن‌الوقتی، اصول فروشی و زیست ژلاتینی اطلاق می‌کنند که محصول کجروی بعد از ۷۶ بود که فاتحان انتخابات را در سودای تداوم کامشادی مبتلا به دگردیسی کرد.

برخلاف اجتهاد ناراست سلامتی، چپ خط امامی با اتکای مبانی اندیشگی و عمق معرفت‌شناسانه از مفاهیم و مبانی اعتقادی مرحوم امام تا آن اندازه برخوردار از استحکام عقیدتی بود و هست تا نه کامشادی‌های سیاسی و نه ناکامی‌های متقابل، بتواند ایشان را دچار شیفت گفتمانی و جامپ طبقاتی کند.

اتفاقی که برای مجاهدین انقلاب افتاد آن بود که سورپرایز ۷۶ ایشان را دچار بدآموزی کرد و از آن تاریخ آموختند می‌توان برای پیروزی بر رقیب با بی‌وقعی به پرنسیب‌ها «راهبری توده‌ها» را با «پیروی از توده‌ها» ما به ازا کرد تا از آن طریق بتوان بر تارک اقبال توده‌ها نشسته و به رقیب شکلک درآورد!

تنها نکته قابل وثوق در اظهارات سلامتی آنجاست که اگر ایشان اولویت‌گذاری «هرم مزلو» را برسمیت می‌شناسد که حسب این مصاحبه برسمیت شناخته‌اند و اگر بپذیریم بدنه اجتماعی اصلاح طلبان مزبور «اکثریت و متعلق به طبقه متوسطند» در آن صورت کلیت این مجموعه را باید در کارنامه موفق جمهوری اسلامی تعریف کرد که این توفیق را داشته با گذشت ۴۰ سال از انقلاب نهایتاً کشوری را بسازد که اکثریت در آن طبقه متوسطند. طبقه‌ای که حکومت «مطابق هرم مزلو» توانسته نیازهای اولیه اعم از نیاز امنیتی و اقتصادی و معیشتی‌اش را تامین کند و اکنون دغدغه اصلی‌اش مطالبات فرهنگی است.

#داریوش سجادی